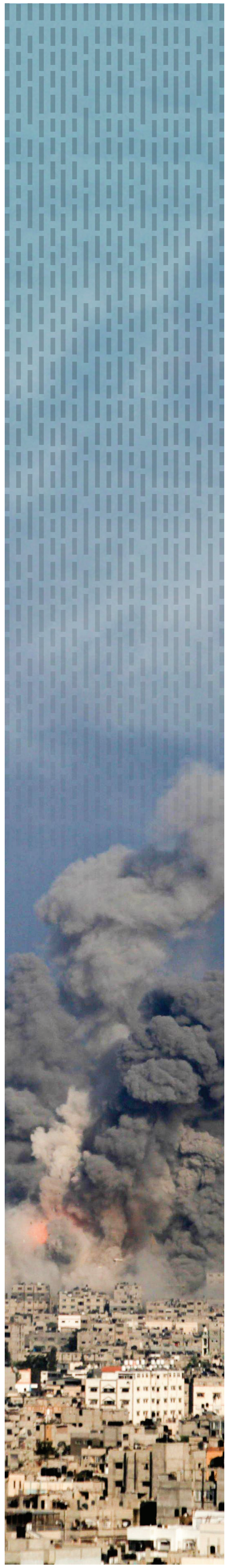

### برساختی که رسانه‌های جریان اصلی غرب از نزاع اخیر ساخته‌اند با واقعیت‌های میدانی این کشورها نمی‌خواند

# فلسطین
# سانسور در رسانه، قیام در خیابان

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

بعد از تک قطبی شدن جهان، یکدستی بی‌سابقه‌ای بر افق فکری و گفتمان غالب بر همه دنیا حاکم شد. از رسانه‌های جریان اصلی، دانشگاه‌ها، دستگاه‌های دیپلماسی، سینما، ادبیات، جهان سرگرمی، دنیای تبلیغات و خلاصه از همه جا فقط یک صدا بلند می‌شد و همه فقط یک چیز را می‌گفتند و حالا در مقطعی که نظم سیاسی جهان در حال گردش و تحول است، این یک‌دستی و تک‌صدایی، شکل بی‌تعارف‌تر و زورگویانه‌تری پیدا می‌کند. از ماجرای جنگ اوکراین و تحریم گربه‌های روسی یا حذف نام تارکوفسکی از فهرست ۱۰۰ فیلمساز سایت IMDb و حتی حذف نام تولستوی و داستایفسکی از دروس دانشکده‌های ادبیات گرفته تا برخوردهای واضح و غیرقابل توجیهی که در قبال جنگ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه شد، می‌توان نمودهای متعددی برای این تک‌صدایی زورگویانه و بی‌تعارف پیدا کرد اما اگر به افکار عمومی جهان نگاه کنیم، نتیجه‌ای عکس این رویه را می‌بینیم. از یک استادیوم فوتبال در مالزی تا دانشگاه هاروارد آمریکا، از نروژ همیشه سرد که هیچ‌گاه محمل تظاهرات و تجمع نبوده تا مراکش و اردن که حکومت‌هایشان با اسرائیل دوست و همکار هستند، هر جای دنیا که نگاه کنیم، مردمانی پر تعداد و پرشور را کف خیابان‌ها در حمایت از ملت فلسطین می‌بینیم. چه شد که کار به اینجا کشید؟

این قدرت مطلق‌العنان و یک‌دست رسانه‌ای و سیاسی و آکادمیک و حتی نظامی، چرا نتوانست از رسیدن وضع افکار عمومی جهان به چنین ساحتی جلوگیری کند؟ اگر وضع به اینجا رسیده، اتفاقا به دلیل همان مطلق‌العنان بودن فضای گفتمانی جهان است. همه رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، دیپلمات‌ها و چهره‌های مشهور دارند یک چیز را می‌گویند و واکنش انفجاری توده‌ها به این وضعیت، در افراشته شدن پرچم‌های فلسطین خودش را نشان می‌دهد. این یک نه بزرگ به امپراتوری گفتمانی بلوک سرمایه‌داری است که سرشاخه‌های جهانی قدرت، اگر در مقابل آن کوتاه بیایند، راهش را سریع‌تر می‌رود و اگر در مقابلش جبهه بگیرند، چنانکه تا به حال گرفته‌اند، باعث پررنگ‌تر شدن و حتی عصبی‌تر شدن لحن این نه بزرگ می‌شوند. اینکه چرا بلوک غرب حتی از حفظ ژست نمادینش که آزادی بیان و اصول حقوق بشری و بی‌طرفی رسانه‌ای است، صرف نظر کرده و این قدر عیان و با وقاحت به حمایت از طرف ناحق ماجرا برخاسته از یک سو، و از سوی دیگر اینکه یک‌دستی تمام‌عیار و جهانی رسانه‌های جریان اصلی، چرا نتیجه‌ای عکس داده است و باعث شده افکار عمومی جهان در ضدیت با اسرائیل و به دفاع از فلسطین برخیزد، موضوعی است که پرداختن به آن باعث می‌شود بتوانیم از لحظه‌ای که در آن هستیم، درکی تاریخی پیدا کنیم.

## دوران بی‌نظمی ذهن بازندگان

نظم بین‌الملل در حال تغییر است و این را امروز همه کم و بیش باور کرده‌اند؛ حتی آنهایی که تا دیروز چنین عباراتی از نظرشان توهمات رویاگونه بود. جنگ اوکراین که گاهی علت اصلی و منشا این تحولات دانسته می‌شود، درحقیقت خودش یکی از نشانه‌های تحول است، نه عامل آن و در ادامه، دلارزدایی در مبادلات جهانی بسیاری از کشورها، کودتاهایی که در قلب آفریقا رخ داد و دست فرانسه را از منابع آن منطقه کوتاه کرد و پس از آن جنگ غزه و طوفان الاقصی، نشانه‌های دیگر این تحول هستند. می‌دانیم که در ادامه باید منتظر نشانه‌های دیگری هم بود؛ مثلا در شرق آسیا، در تایوان، در اتحاد یا جنگ دو کره و احتمالا خیلی جاهای دیگر. مسائل امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیک این چرخش تاریخی، تا به حال بسیار مورد توجه تحلیلگران بوده‌اند اما یک چیز کمتر مورد توجه قرار گرفته که تحولات اجتماعی و فرهنگی کلان در سطح جهان است. سی سال تک‌قطبی بودن دنیا و تسلط محض گفتمان بلوک سرمایه‌داری، افکار عمومی جهان را به نقطه‌ای رسانده که به‌شدت دنبال آلترناتیو وضع موجود می‌گردند. پیش از اینکه در غزه طوفان الاقصی به پا شود و حتی پیش از جنگ اوکراین، سال ۲۰۱۹ میلادی هم می‌شد نشانه‌هایی از این تغییر ذائقه جمعی را در بسیاری از نقاط دنیا دید. پرچم فلسطین در اجتماعات جلیقه‌زردها هم بلند شده بود و از شیلی تا غرب آسیا، جنبش‌های اجتماعی مختلفی به راه افتادند که به شکلی عیان، تم ضدسرمایه‌داری و ضدامپریالیستی داشتند. در پایان ۲۰۱۹ میلادی، بیماری همه‌گیر کرونا آمد و مدتی باعث شد که روند این تحولات کند یا حتی متوقف شود؛ اما جلوی تحول به این بزرگی را نمی‌شد تا ابد نگه داشت و دومینوی اتفاقات چنانکه می‌بینیم، بالاخره رقم خورد. حالا آنچه در این میان جای تامل دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته، همین تم اجتماعی و فرهنگی تحولات است. بلوک غرب پس از جنگ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه، حمایت خیره‌کننده‌ای از اسرائیل به عمل آورد. حتی در راستای این حمایت، رسانه‌هایشان صراحتا دروغ می‌گفتند و هرکس که خبر راست را منتشر می‌کرد، علنا و بدون تعارف حذف می‌شد.

دروغ‌گویی برای آنها این فرصت را فراهم می‌کرد که از تاثیر اولیه اخبار مربوط به جنایات اسرائیل و در کنار آن از شکستن هیمنه این رژیم مدعی بکاهند. به علاوه، این دروغ‌ها دست هواداران اسرائیل را که به لحاظ گفتمانی در وضعیت آچمز قرار گرفته بودند پر می‌کرد. مثلا می‌گفتند حماس ۴۰ کودک اسرائیلی را سر بریده و خبرش را همه جا با آب‌وتاب کار می‌کردند. بعد تکذیب غیرصریح همین خبر را در گوشه‌ای کم‌پیدا از رسانه‌هایشان بازتاب دادند تا هم افراد کمتری ببینند و هم تاثیر کمتری بگذارد. از طرف دیگر هر خبری راجع‌به فلسطین که از جانب هواداران این کشور به انتشار می‌رسید، با سانسور شدید شبکه‌های اجتماعی مواجه می‌شد. حتی در دانشگاه‌های غربی هم اساتید یا دانشجویانی که بیانیه‌ای در حمایت از فلسطین منتشر کردند، اخراج شدند. در یک کلام بلوک غرب در حمایت گفتمانی از اسرائیل، از هیچ چیز فروگذار نکرد و این در حالی است که بدون مبالغه، حجم رسانه‌هایی که جزء جریان اصلی نبودند، به یک هزارم جریان اصلی هم نمی‌رسید. با این حال، از شرق تا غرب عالم، افکار عمومی مردم جهان در همدلی با ملت فلسطین به جوش آمده است. حتی تم اجتماعی در خود ایالات متحده هم به شکل غافلگیرکننده و کاملا بی‌سابقه‌ای تغییر کرده و هواداری از فلسطین را می‌توان به عیان دید.

۳۰ سال هیچ‌کس حق نداشت خارج از پارادایم فکری سرمایه‌داری حرف بزند یا فکر کند که اگر چنین می‌کرد، هیچ گوش شنوایی در اطرافش نمی‌دید یا در بهترین حالت اگر مورد توجه قرار می‌گرفت همزمان مورد تمسخر هم قرار می‌گرفت. اصول لیبرالیسم به شکل پیش‌فرض‌های قطعی و غیرقابل بحث بشری درآمده بودند و از سبک زندگی گرفته تا نوع نگاه به هستی، هنر، جامعه، سیاست، تاریخ و خلاصه همه چیز در همین پارادایم تعریف می‌شد. این وضع را کسانی که شاهد سقوط شوروی و افول اردوگاه جهانی چپ بودند، عموما راحت‌تر می‌پذیرفتند تا آنهایی که در خود دوران تک‌قطبی به دنیا آمدند یا بزرگ شدند. یعنی نسل‌های جدیدتر، تک‌صدایی را نمی‌پذیرفتند. نظرسنجی منتشرشده توسط CNN درمورد درصد حمایت آمریکایی‌ها از حمله اسرائیل به غزه، کاملا این موضوع را نشان می‌دهد. هواداری از اسرائیل در میان افراد بالای ۶۵ سال، ۸۱ درصد است؛ اما در میان افراد ۵۰ تا ۶۵ سال به ۵۶ درصد می‌رسد، در میان افراد ۳۵ تا ۵۰ ساله، این درصد باز هم کم می‌شود و به ۴۴ درصد می‌رسد و به رده سنی ۱۸ تا ۳۵ سال که می‌رسیم، تنها ۲۷ درصد از آمریکایی‌ها طرفدار اسرائیل هستند. موضوع این است که رسانه‌های جریان اصلی هر قدر یک جانبه‌تر به موضوعات نگاه کردند، باعث انباشت خشم بیشتری در ناخودآگاه توده‌ها شدند و حقانیت خودشان را بیشتر زیر سوال بردند و نسل‌های جدیدتر که تربیت‌یافته دوران تک‌قطبی هستند، نه دوران جنگ سرد، این انباشت خشم را بیشتر در خود دارند؛ طوری که به نظر می‌رسد رسانه‌های جریان اصلی حالا کارکردی منفی برای بلوک سرمایه‌داری پیدا کرده‌اند و این روند در حال تشدید است. وقتی از رسانه‌های جریان اصلی صحبت می‌کنیم، مقصودمان فقط نباید چند روزنامه و مجله و شبکه تلویزیونی باشد، بلکه از فنی‌ترین متون پژوهشی و دانشگاهی گرفته تا شبکه‌های اجتماعی، همه را می‌بایست مدنظر قرار دهیم.

## این جنگ روانی جدید نیست اما شدیدتر است

عملیات طوفان الاقصی و پس از آن تهاجم اسرائیل به غزه، خیلی خوب نشان داد که فارغ از آنچه در کریدورهای اقتصادی یا دالان‌های دیپلماتیک یا میادین نظامی می‌گذرد، در وادی افکار عمومی هم نظم جهانی در حال گردش است. مساله‌ای که امروز به بحث افکار عمومی و عدم همراهی‌اش با منافع بلوک سرمایه‌داری برمی‌گردد، این سوال را در ذهن ما ایجاد می‌کند که چطور ممکن است یک جریان فکری و سیاسی و اقتصادی، تمام منافذ گفتمانی و رسانه‌ای را دربست در اختیار داشته باشد و به هیچ صدای متفاوتی عرصه ظهور ندهد اما این چنین ضدخودش را تولید کند. وقتی از یک چیز همه‌اش را بخواهید، ممکن است همه آن را از دست بدهید. یک جانبه‌گرایی محض گفتمان سرمایه‌داری در ۳۰ سالی که بی‌رقیب بود، چنین وضعی را برای آنها ایجاد کرد که حالا نتیجه‌اش دیده می‌شود. نکته دیگر، رفتار غربی‌ها در مقطعی است که امپراتوری یا به تعبیر امروزی‌تر هژمونی‌شان را در حال افول می‌بینند. آنها در چنین مصب مهمی از تاریخ، رفتار تهاجمی‌تری پیدا کرده‌اند و اگر به مقاطع دیگری از تاریخ نگاه کنیم که نه کلیت بلوک غرب، بلکه بعضی از امپراتوری‌های بزرگ آن در سراشیبی افول افتاده بودند، می‌بینیم که این رفتار بی‌سابقه نیست. مثلا مقطع افول امپراتوری بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم چنین وضعی داشت. با توجه به این نکته اگر دقت کنیم این برخورد جریان رسانه‌ای و حتی آکادمیک غرب که با مساله جنگ غزه دیده شد، صرفا مربوط به اکتبر ۲۰۲۳ نمی‌شود و چنین رفتار هیستریک و خودویرانگری را می‌توان از مدتی قبل از آن هم رصد کرد؛ منتها طوفان الاقصی باعث شد که این چیزها بیشتر به چشم بیایند.

## سانسور دیجیتالی فلسطینی‌ها

مدتی قبل از رخ دادن طوفان‌الاقصی، در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳، از شبکه الجزیره گزارشی پخش شد که رفتار متفاوت شبکه‌های مجازی را در قبال فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها با هم مقایسه می‌کرد. روز جمعه، ۸ سپتامبر در برنامه محبوبی به نام «آنچه پنهان است، بزرگ‌تر است» اپیزودی با عنوان «فضای بسته» نمایش داده شد و گزارشگر آن، دو حساب کاربری در فیس‌بوک باز کرد؛ یکی به زبان عربی و دیگری به زبان عبری. بعد در صفحه عربی، اخبار و عکس‌هایی را منتشر کرد از فلسطینیانی که توسط ارتش اسرائیل در حمله به شهر نابلس در کرانه باختری اشغالی کشته شدند. فیس‌بوک بلافاصله محتوا را حذف کرد و به صفحه هشدار داد که برای همیشه مسدود می‌شود. گزارشگر الجزیره همین خبر را به‌طور همزمان در صفحه عبری اما با کمی دستکاری گرافیکی تصاویر منتشر کرد. فیس‌بوک این صفحه را حذف نکرد و هیچ هشداری هم صادر نشد. واکنش فیس‌بوک به این گزارش کاملا استدلالی و منطقی الجزیره که بر شواهد عینی تکیه داشت چه بود؟ اندکی پس از پخش برنامه الجزیره، فیس‌بوک حساب شخصی مجری این برنامه، تامر المسحال، روزنامه‌نگار فلسطینی را بدون هیچ هشداری حذف کرد. دوباره باید یادآور شد این قضیه مربوط به قبل از طوفان الاقصی می‌شود و خود ما ایرانی‌ها می‌دانیم و تجربه‌اش را داریم که این نقض عیان آزادی بیان در شبکه‌های اجتماعی غربی، منحصر به موضوع فلسطین نمی‌شود. قضیه حتی به رسانه‌های اجتماعی هم محدود نیست و در ساحات و شئون مختلفی می‌توان آن را دید؛ در لحن رسانه‌های رسمی، در برخورد مراکز آکادمیک، در رفتار دستگاه‌های قضایی و پلیس خیلی کشورها و در خیلی چیزهای دیگر، نوعی یک‌دستی و تک‌صدایی قلدرانه را از بلوک سرمایه‌داری می‌توان دید که پس از تک‌قطبی شدن دنیا آغاز شد و به مدت ۳۰ سال ادامه پیدا کرد تا به حد غیر قابل تحمل امروز رسید. حالا که موضوع جنگ غزه پیش آمده، فیسبوک و یوتیوب و اینستاگرام، تعارف را کنار گذاشتند و در بیانیه‌ای می‌گویند هر کس در فضای مجازی طوری پست بگذارد که بمباران غزه توسط اسرائیل را چیزی غیر از پاسخ مشروع صهیونیست‌ها به نظر برساند، محتوایش حذف خواهد شد. اتحادیه اروپا ایلان ماسک را به دلیل عدم برخورد قاطع با محتواهای هوادار فلسطین تهدید به تحریم کرده و این در حالی است که قبل از ابلاغ چنین تهدیدی، ده‌ها حساب کاربری توییتر یا همان x به دلیل هواداری از فلسطین محدود شده بودند. پلتفرم تیک‌تاک هم به همین ترتیب تهدید شده است. در همین ایام، شش خبرنگار بی‌بی‌سی عربی به دلیل حمایت از فلسطین اخراج شدند. تظاهرات در حمایت از فلسطین یا حتی حمل پرچم‌های این کشور در فرانسه، آلمان، هلند، انگلستان و بسیاری از کشورهای دیگر بلوک غرب ممنوع شده و القصه جهان غرب نشان داد تعارف را کنار گذاشته و دیگر حتی ژست نمادین آزادی بیان را هم نمی‌خواهد داشته باشد.

گروه‌های حقوق فلسطینی که از چند سال پیش روی موضوع «سانسور دیجیتالی فلسطینی‌ها» کار کرده‌اند، می‌گویند که از سال ۲۰۱۵ و به‌ویژه پس از سلسله ملاقات‌هایی که بین آیلت شاکد، وزیر دادگستری وقت اسرائیل و مدیریت فیس‌بوک صورت گرفت، متوجه خاموشی سیستماتیک محتوای فلسطینی در فضای مجازی شده‌اند. دلیل اصلی این اتفاق، فشار دولت اسرائیل است و برای پیاده‌سازی آن از ابزارهای هوش مصنوعی که به‌طور خودکار محتوا را براساس کلمات کلیدی حذف می‌کنند، استفاده می‌شود. پس از ادامه این سلسله جلسات، شاکد در سال ۲۰۱۶ گفت که فیس‌بوک، گوگل و یوتیوب تا ۹۵ درصد از درخواست‌های اسرائیل برای حذف محتواهای مربوط به فلسطینی‌ها را رعایت کرده‌اند. همچنین گزارش سال ۲۰۱۸ که توسط دفتر دادستانی دولتی اسرائیل منتشر شد، نرخ‌های مشابهی را اعلام کرد. پس از رخ دادن طوفان‌الاقصی در ماه اکتبر ۲۰۲۳، روند «سانسور دیجیتالی فلسطینی‌ها» شدت بیشتری گرفت تا جایی که متا، غول فناوری ایالات متحده که فیس‌بوک، اینستاگرام و واتساپ در زیرمجموعه آن قرار دارند، در ۱۳ اکتبر اعلام کرد اقداماتی را برای حذف «تمجید و حمایت اساسی» از جناح‌های مقاومت فلسطینی که علیه ارتش اسرائیل در مرز غزه می‌جنگند، انجام می‌دهد. متا در بیانیه خود می‌گوید: «از زمان حملات حماس به اسرائیل در روز شنبه و پاسخ اسرائیل در غزه، تیم‌های متخصص از سراسر شرکت ما به‌طور شبانه‌روزی برای نظارت بر سکوهای ما کار می‌کنند.» و در جای دیگری از این بیانیه آمده است: «مراقب است که تمام محتواها در شبکه‌های اجتماعی‌اش، بمباران فرشی ساختمان‌های مسکونی در غزه توسط اسرائیل را صرفا یک «پاسخ» توصیف کنند.»

ادامه در صفحه ۱۳

---

ادامه از صفحه ۱۲

## خداحافظ بی‌طرفی
## خداحافظ حرفه‌ای‌گری!

بی‌بی‌سی عربی شش خبرنگار خود را به خاطر «لایک کردن» توییت‌های همدلی با فلسطین از کار تعلیق کرد که این اقدام در نوع خود بی‌سابقه بود. در همین رابطه مهرداد فرهمند، خبرنگار سابق بی‌بی‌سی نوشت: «شش خبرنگار بی‌بی‌سی عربی صرفا به سبب لایک کردن توییت‌هایی در همدلی با فلسطینیان از کار معلق شده‌اند. با دو تا از این شش همکار سال‌ها کار کرده‌ام و شهادت می‌دهم از بهترین‌های بی‌بی‌سی عربی‌اند. سالی نبیل که سه سال و نیم در دفتر قاهره میزهایمان کنار هم بود و ندا عبدالصمد که بیش از هفت سال با او در یک دفتر کار کردم. ندا از روزنامه‌نگاران قدیمی و سرشناس لبنان است و جالب اینجاست که فیلمی درباره یهودیان لبنان ساخت که به عنوان نمونه بی‌طرفی در روزنامه‌نگاری مثال زده می‌شود و جایزه برده است. بی‌بی‌سی لایک‌های این خبرنگاران را نقض بی‌طرفی قلمداد کرده اما اگر بی‌بی‌سی این ضابطه را عادلانه اجرا کند، باید بیش از نیمی از کارکنان بخش‌های زبان‌های خارجی از کار معلق شوند.» به نظر نمی‌رسد که این خبر نیاز به توضیح اضافی داشته باشد. اگر منطقی به ماجرا نگاه کنیم درخواهیم یافت که این برخورد هیستریک، باعث خاموش شدن نداهایی که حامی فلسطین هستند نمی‌شود؛ بلکه طنین آنها را بیشتر خواهد کرد. بلوک غرب و هوادارانش در سراشیبی افول هژمونیک، چنان تمام اجزاء و عناصر رویدادها را حیثیتی و با دید رمانتیک می‌بینند که واکنش‌هایی تند و خارج از چارچوب نشان می‌دهند و همین واکنش‌ها، بیش از پیش به طرف‌های مقابل‌شان جانب حق و مظلومیت را می‌بخشد. مورد بی‌بی‌سی عربی تنها نمونه‌ای نیست که در رابطه با جنگ ۲۰۲۳ غزه می‌توان از رسانه‌های بلوک غرب دید. چند روز پیش شلیک ارتش اسرائیل به خودروی شبکه الجزیره اصابت کرد و باعث آتش گرفتن کامل آن شد. عصام عبدالله، عکاس خبری رویترز در این حمله کشته شد و سه خبرنگار، از جمله دو خبرنگار الجزیره (کارمن جوخدار و ایلی براخیا) هم زخمی شدند. واکنش شبکه رویترز اما بسیار جای تعجب داشت. در بیانیه آنها که مرگ حسام عبدالله را اعلام می‌کرد هیچ اشاره‌ای به این نشد که کدام طرف ماجرا باعث این اتفاق شده‌اند. این در حالی است که نمی‌توان تردید کرد اگر این خبرنگار با شلیک حماس یا هر کدام از نیروهای مقاومت کشته شده بود، یا لااقل می‌شد این احتمال را جا انداخت، رویترز در نسبت دادن موضوع به فلسطینی‌ها ذره‌ای تردید نمی‌کرد. یک مورد بسیار عجیب دیگر که می‌توان درخصوص جنگ غزه و برخوردهای هیستریک رسانه‌های غربی به آن اشاره کرد، اخراج استیو بل، از روزنامه گاردین است. استیو بل ۴۰ سال برای گاردین کار می‌کرد و حالا به دلیل یک نقاشی که که در آن نتانیاهو را مشغول تتو کردن یک نقشه بی‌سرانجام روی بدن خودش نشان می‌داد، از کار اخراج شد. بل گفته بعد از ترسیم این کاریکاتور از دفتر روزنامه با او تماس گرفته و گفته‌اند که تصویر نتانیاهو یادآور عبارت «یک پوند گوشت» از شخصیت «شایلاک رباخوار» در داستان «تاجر ونیزی» اثر ویلیام شکسپیر است. خود استیو بل اما در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی گفته که تفسیر گاردین «با عقل جور در نمی‌آید» چون کاریکاتور او نتانیاهو را درحال انجام یک عمل جراحی روی خودش نشان می‌دهد که تبعات فاجعه‌بار آن هنوز مشخص نیست. این کاریکاتوریست در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت: «این تصویر الهام‌گرفته از کاریکاتوری است که دیوید لوین از لیندون جانسون، (سی‌وششمین رئیس‌جمهور آمریکا) برای نشان دادن جای زخم عملیات او کشید.» گاردین در میان چهار روزنامه اصلی انگلستان خودش را به‌عنوان چپ‌گراترین نشریه معرفی می‌کرد اما حالا شرایط روحی در بلوک سرمایه‌داری طوری است که تمام تعارفات کنار گذاشته می‌شوند و واکنش‌ها به‌شدت خودویرانگر، عصبی و نامعقول است. این دست موارد را طی همین ۱۰ روزی که از جنگ غزه گذشته است، درمورد سایر چهره‌های مشهور که رسانه‌ای نیستند هم به‌وفور می‌توان در کشورهای بلوک غرب یافت. این اتفاق در گذشته هم بارها افتاده بود. مثلا در سال ۲۰۱۴، استیون سالیتا، پس از انتقاد از اسرائیل در توییتر، با این واقعیت مواجه شد که انتصابش در دانشگاه ایلینویز پس گرفته شده است، یا پروفسور دیوید میلر که در ۲۰۲۱ به همین دلیل دانشگاه بریستول اخراج شد. اما پس از طوفان الاقصی در غزه، چنین روندی شتاب خیلی بیشتری گرفته است. به‌عنوان مثال جوزف ماساد استاد دانشگاه کلمبیا، زارینا گروال استاد دانشگاه ییل، راسل ریکفورد استاد تاریخ دانشگاه کورنل و حتی بسیاری از دانشجویان که صرفا بیانیه‌هایی در محکومیت حمله به مردم فلسطین را امضا کرده بودند از دانشگاه اخراج شدند یا پروسه قطع همکاری با آنها در مراحل انجام است. چهره‌های مشهور غیرهنری و غیرآکادمیک هم از این قاعده مستثنی نیستند. مثلا باشگاه نیس فرانسه یوسف عطال بازیکن الجزایری خود را به دلیل پستی که درمورد حمایت از فلسطین نوشته بود تعلیق کرد.

#FreePalestine

### واکنش چهره‌های فرهنگی و هنری به کشتار فجیع بیمارستان المعمدانی چه بود؟

# صبح بعد از شب هولناک غزه

انفجار هولناک بیمارستان المعمدانی شهر غزه آنقدر فجیع بود که بعد از انتشار اولین خبرهایش، واکنش‌های فراگیری در فضای رسانه‌ای منتشر شد. در جریان بمباران صهیونیست‌ها، چندصد نفر فلسطینی ازجمله زنان و کودکان بی‌دفاع در داخل بیمارستان به شهادت رسیدند. از همان لحظات اول انتشار این خبر افکار عمومی جهان در صفحات مجازی با نوشتن متن، عکس، شعر و هشتگ‌هایی، واکنش نشان دادند. هنرمندان هم با زبان هنری در صفحات شخصی با انتشار عکس و متن، همدردی خود را با این اتفاق ابراز کردند.

محمدرضا شفیعی‌کدکنی، شاعر در واکنش به جنایت غزه متنی را از ترجمه کتاب مقدس تورات منتشر کرد و نوشت: «وای بر فتنه‌انگیز نجس ظلم‌کننده! آواز را نمی‌شوند و تأدیب را نمی‌پذیرند و بر خدای خود تقرب نمی‌جوید. کاهنانش قدس را نجس می‌سازند و به شریعت مخالفت می‌ورزند. خداوند در اندرونش عادل است و هر بامداد حکم خود را روشن می‌سازد و کوتاهی نمی‌کند، اما مرد ظالم حد را نمی‌داند.»

داوود میرباقری، کارگردان و فیلمنامه‌نویس در یادداشتی برای مردم غزه نوشت: «فاجعه بیمارستان المعمدانی غزه، بسیار تکان‌دهنده و هولناک بود. آنچه رخ داد در قاموس هیچ نبرد و جنگی نمی‌گنجد. کشتار صدها غیرنظامی و زن و کودک مجروح بی‌پناه هیچ توجیهی ندارد و محصول جنون جنگ‌افروزان است. این فاجعه بزرگ و جنایات رخ‌داده در غزه که دل‌هایمان را به درد آورده است تسلیت می‌گویم و صبری جزیل برای بازماندگان آرزو دارم. در آخر به کلام الهی پناه می‌برم که سَیَعلَمُ الَّذینَ ظَلَموا أیَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبونَ. و آنان که ظلم و ستم کردند به‌زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی بازمی‌گردند.»

سیدرضا میرکریمی، کارگردان شناخته‌شده سینما که اخیرا فیلم «نگهبان شب» را روی پرده داشت: «اگر از تو درباره غزه پرسیدند پس بگو در آنجا شهیدی است که شهیدی آن را حمل می‌کند و شهیدی از وی عکس می‌گیرد و شهیدی او را بدرقه می‌کند و شهیدی بر وی نماز می‌خواند... (محمود درویش)»

فرزاد حسنی، مجری تلویزیون و بازیگر سینما نیمه‌های شب با انتشار مطلبی در فضای مجازی واکنش نشان داد و نوشت: «هر کس درمورد جنایتکار بودن اسرائیل اگر و امایی بیاورد، باید دهانش را جر داد، اسرائیل شر مطلق است.»

محمدحسین مهدویان، کارگردان سینما با انتشار فیلمی از واگویه‌های احساسی یک کودک فلسطینی با یک کودک شهید، نوشت: «سامعنی!! صدامو می‌شنوی؟ حرف بزن بفهمم زنده‌ای.»

احسان علیخانی، مجری شناخته‌شده تلویزیون نیز در صفحه خود نوشت: «حمله موشکی به بیمارستان که تنها پناه بیمار، زخمی، زنان و کودکان است، این یک فاجعه است برای انسان، برای انسانیت، برای تمدن بشر، برای تمام ادعاهای توخالی جهان، برای تمام صورت‌های نقاب‌زده با لبخند که فریاد انسانیت و عدالت سر می‌دهند، تنها قربانی سیاست کثیف، مردم بی‌گناهند.»

داریوش فرضیایی، معروف به عمو پورنگ با تصویری از کودکان غزه نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد و نوشت: «کودکان مظلوم‌ترین قربانیان هر جنگی هستند. در همه ادیان الهی خواست و اراده خداوند نوزادان را نصیب والدین می‌کند. نوزاد که اراده‌ای برای انتخاب والدین و جغرافیای زندگی‌اش ندارد اما در جنگ‌ها به جرم کودک دشمن بودن بیشترین آسیب را می‌بینند. نفرین بر جنگ.»

محمد بحرانی، مجری و صداپیشه و بازیگر سینما و تلویزیون که به شخصیت جناب خان بیشتر شناخته می‌شود با اعلام انزجار از جنایات رژیمم صهیونیستی نوشت: «مرگ بر جنگ؛ به موقع جنگ هم قوانینی داشت؛ این جنگ نیست. نسل‌کشی است. بیست‌وچند ساله که دارم برای بچه‌ها برنامه می‌سازم؛ به امید بهتر شدن جهان برای آدم‌های آینده... اما دیگر ناامیدم.» سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون نیز با انتشار تصاویری از بیمارستان المعمرانی، از قول سخنگوی امداد و نجات غزه نوشت: «بیمارستان المعمدانی دیگر زخمی ندارد. دیگر هیچ کسی در بیمارستان رنج نمی‌کشد. همه راحت شدند و در آتش سوختند!» همچنین رضا رشیدپور، مجری تلویزیون در صفحه توییتر (ایکس) نوشت: «رژیم صهیونیستی غاصب، جنایت‌پیشه و شارلاتان است. قواعد جنگ روانی را خوب می‌داند و از مظلوم‌نمایی به‌عنوان تاکتیک در یک راهبرد خبیثانه سود می‌برد و تاسف برای کسانی است که با ژست روشنفکری یا مخالفت با جمهوری اسلامی خون‌شویی می‌کنند و جرأت بیان حقیقت را ندارند.»

ملیکا زارعی، مجری برنامه‌های کودک و نوجوان نوشت: «این روزها روز کودک است و بیشتر بچه‌ها در جشن و شادی و... من هم به سبب حرفه‌ای که دارم در معاشرت با بچه‌ها باید در این شادی سهیم باشم اما... مگر می‌شود تصاویر دردناک کودکان بی‌گناه و معصوم غزه را از جلوی چشمانم محو بشود!؟ تصویر ضجه‌های پدران و مادران داغ‌دیده‌ای که معلوم نیست، آیا فردا را خواهند دید... همه این تصاویر خواب را از چشمانم ربوده، تنها آرزوی روزی رو دارم که صدای شادی کودکان بی‌گناه تمام دنیا رو پر کنه. یاد همه کودکان عزیز و بی‌گناه که این روزها در خون غلتیدن گرامی...»

محمود کریمی، مداح سرشناس کشورمان هم نوشت: «سرزمین قدس از آن کسی نیست که با شنیدن صدای آژیر خطر به فرودگاه فرار می‌کند، بلکه متعلق به مردمی است که بر خرابه‌های خانه‌هایشان ایستاده‌اند و کودکان خود را فدای کشور خود می‌کنند. واضح و روشن است. صبح نزدیک است.»

حسین طاهری، مداح اهل‌بیت هم در این باره نوشت: «غزه امشب کربلا شد بانگ طفلان می‌رسد. العجل صاحب‌زمان عمر اسرائیل، از فردا به پایان می‌رسد. العجل صاحب‌زمان» علیرضا پناهیان، سخنران مذهبی در صفحات مجازی خود نوشت: «حماسه‌سازان غزه از اول می‌دانستند، پیامد طوفان آزادی‌بخش آنها چه خواهد بود. امروز با حمله اسرائیل به بیمارستان غزه ته‌مانده انسانیت تمدن غرب به باد رفت. طوفان‌الاقصی نه‌تنها تمدن غرب را به چالش کشید بلکه ایمان تمام مسلمانان را هم محک می‌زند و غربال بزرگ تاریخ را فراهم کرده است.»

مهدی سلحشور، مداح اهل‌بیت ابتدا نوشت: «رژیم غاصب کودک‌کش دیگر باید چه جنایتی بکند تا کاسه‌لیسان غرب به خود بیایند؟ چه مسلمانی هستید که صدای مظلوم که هیچ، خون مجروحان مظلوم بیمارستان غزه هم به لباس‌تان بپاشد. صدایی از حلقوم بی‌غیرت‌تان شنیده نمی‌شود؟ ندای هل من ناصر ینصرنی حسین، امروز از غزه بلند است... مسلمان به پا خیز برادرت کشته شد.»

محمدحسین حدادیان، مداح اهل بیت در فضای مجازی نوشت: «بدتر و کثیف‌تر از اسرائیل کسانی هستند که این جنایات را می‌بینند و سکوت می‌کنند یا به جای دفاع از ملت مظلوم فلسطین، از این حرامزاده‌ها دفاع می‌کنند. به مردم گفتند اگر می‌خواهید در امان باشید به بیمارستان پناه ببرید! ساعتی بعد بدون لحظه‌ای درنگ بیمارستان را بمباران کردند. این است مرام آل‌یهود»

سیدامیر حسینی، مداح اهل‌بیت(ع) هم نوشت: «لکن العُیون عِبری والصُّدور حِرّی. امشب در تمام دنیا، چشم‌های خیس اشک و بی‌خواب، جگرهای سوخته و سینه‌های آتش‌گرفته، مشت‌های گره‌کرده و ابروان درهم، دندان‌هایی که روی هم فشرده می‌شود، همه نوید نابودی زودرس رژیم غاصب قصاب کودک‌کش را دارد.»

### شعرهایی که در شب تلخ کشتار بیمارستان المعمدانی سروده شد

# ما را قدس، این قدس صبور آزاد خواهد کرد

**حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به بیمارستانی در غزه، دل مردم آزاده در تمامی دنیا را به درد آورد. شاعران که همیشه پیشگام برای ثبت این اتفاقات هستند، اشعاری را سروده‌اند که برخی از آنها را در این بخش منتشر کرده‌ایم.**

در فلسطین خاک بگشاید دهان ای‌کاش
قوم غاصب را ببلعد ناگهان ای‌کاش
کاش طوفانی وزد از جانب دریا
جسم‌شان در ماسه‌ها گردد نهان ای‌کاش
کودکان را مثل آهو می‌درند از هم
تیر غیب آید به جان روبهان ای‌کاش
عده‌ای گویند حق با قوم صهیون است
لال گردند ای خدا این ابلهان ای‌کاش
پادشاهان عرب در خواب نوشینند
برنخیزند از تشک‌ها این شهان ای‌کاش
دیدگان مسجدالاقصی شود روشن
ناگهان منجی رسد با همرهان ای‌کاش
کاش امشب کاش امشب با نتانیاهو
هرچه کودک‌کش بمیرد در جهان ای‌کاش

**افشین علا**

خدا پروانه‌ها را از قفس آزاد خواهد کرد
خودش جغرافیای عشق را آباد خواهد کرد
و برمی‌چیند از شب‌های زخمی، جیغ جغدان را
به صبحی سرزده، گنجشک‌ها را شاد خواهد کرد
به لطف سنگ‌ها با مشت نوزادان در قنداق
ستون کاخ‌ها را سست و بی‌بنیاد خواهد کرد
و با هر جوی خون از گونه‌های خیس مادرها
جهان را خانه دل‌های طوفان‌زاد خواهد کرد
زمین یک روز راحت می‌شود از بغض دیرینش
که دستی سینه‌ها را خالی از فریاد خواهد کرد
که دست انتقام از آستینی سبز خواهد شد
به شور ذوالفقاری، جنگ با بیداد خواهد کرد
کبوترها خبر می‌آورند از مسجدالاقصی
که ما را قدس، این قدس صبور آزاد خواهد کرد

**مطهره عباسیان**

بخوان از چهره طفلانم اینک مشق غربت را
بخوان در گوش خاموشان عالم، این مصیبت را
فلسطینم، صدای رنج انسانم، مرا بشنو
که شعر داغ من تا آسمان برده بلاغت را
فلسطینم، که صبحاصبح با نعش عزیزانم
به دوش خسته خود می‌کشانم بار حیرت را
کماکان قصه من مانده در پستوی خاموشی
مبادا از جهان یک شب بگیرد خواب راحت را
بگو شیپورهای شایعه خاموش بنشینند
و بشنو از دل آوار، آواز حقیقت را
مرا با قامت خونین یارانم تماشا کن
ببینی تا مگر حیرانی صبح قیامت را
برای کودکان، لالایی از جنس رجز خواندم
که در گهواره فهمیدند معنای شهادت را
فلسطینم، که آهی داشتم، بالید و آتش شد
نثار جان دشمن می‌کنم طوفان وحشت را
فلسطینم، غم آخرزمانم، قبله اول
که زیر تیغ می‌خوانم نماز استقامت را

**میلاد عرفان‌پور**

از رنج بغض‌های مگویت بگو به من
از آن هزار تکه بی‌جا بگو؛ وطن
از بمب‌ها که بر سر بامت هوار شد
از خارها و پیکر مجروح نسترن
طوفان غزوه‌ها که ز اقصای غزه خاست
مردان خون و صبر و مصافات تن به تن
تیر دروغ و تهمت کودک‌کشی زدند
کودک‌کشان قبطی و یاران اهرمن
یک سقف امن و تکه نان و کمی امید
در مذهبت حرام شد اینها چرا به من؟
راه احد به خندق و بعدش به خیبر است
عزمی کنید آی دلیران صف‌شکن

**حنیف افخمی**